

حقیقت

شماره ۹۶ ۲۶ آبان ۱۳۵۹

نظری اجمالی به انتخابات ریاست جمهوری آمریکا

بالاخره "انتخابات ریاست جمهوری آمریکا" یا لیسیم آمریکا دشمن اصلی ست جمهوری آمریکا بپایان انقلاب ایران می باشد و درک و رسیدن، و حافظان جدید منافع شناخت از سیاستهای مشخص این امریالیسم آمریکا بطور علنی و "قانونی" و "عالمیستند" اعلام گردیدند. ریگان "انتخابات" را با نتیجه "فاحشی" برد برای ۴ سال آینده در کاخ سفید مستقر خواهد کردید، بررسی انتخابات بحرانیهای تاریخی خود قرار - آمریکا و ایران جهت که میر - بقیه در صفحه ۳

نظری اجمالی به حرکت

حزب جمهوری اسلامی در متن جنگ

چگونه کارتو شیطان بزرگ تبدیل به 'منافع' میگردد؟ صفحه ۵

وقایع چند هفته اخیر - در متن جنگ ایران و عراق - ماهیت و سیاستهای انحصار طلبانه، فتنه گرانه، دلال مفتاح - نه حزب جمهوری اسلامی را بیش از پیش عیان ساخته است. حرکت سازشجویانه رهبری حزب جمهوری بر سر مساله گروگانها بنا، امریالیسم آمریکا، حرکت انحصار طلبانه برای قبضه کردن قدرت که بطور مشخص در حوادث رادیو تلویزیون و دستگیری صادق قطب زاده و تحت شعوبیت قرار گرفتن قائم مقام رادیو تلویزیون خود را بروز داد، حرکت ضد انقلابی و سرکوب گرانه این حزب و چشمک زدن به ابر قدرتها از این طریق که به خصوص با محاکمه سماعتی در این اوضاع و احوال خود را متطور می کند و... نشان دهنده ماهیت واقعی و سیاستهای ارتجاعی این حزب انحصار طلب و فتنه جو است. در زیر نظر اجمالی به چند ویژگی این حرکات سیاسی

مروزی بر

جبهه های جنگ خوزستان

قصر شیرین تا جنوبی ترین نقاط جنگ در جبهه آبادان - خرمشهر خوزستان ادامه دارد، و هر لحظه از همه جا سخت تر بوده و فعلا این دامنه بیشتری پیدا میکنند. بقیه در صفحه ۴

جنگ مقاومت در برابر تجاوز مزدوران بعضی عراقی با شدت وحدت در همه جبهه ها، از رفیق ما شوشه دون در جایی میگوید که امریالیسم در دو حالت میتوان دشمن بلاوا - سطر و عمده ما قدامت میکند یکی در زمانیکه فعالان به بسیاری ارتجاع داخلی کشور زیر مستقیم برخاسته و تا سرحد تجاوز مستقیم به کشورگام بر میدارد، و دوم - زمانیکه فعالان در صدد ایجاد تشنت و انشعاب در جبهه مردم برآمده و به ایجاد تفرقه در این جبهه و از هم پاشیدن آن داخل متشیت میشود. بقیه در صفحه ۴

فدائیان اکثریت در جنگ کنونی مبلغ یا لیسیم ولیاست امپریالیسم روسی می باشند! (۲) صفحه ۱۶

تجمعین آنچنان نمایش داده می شوند که حقایق را پوشیده نگاه دارند. اینگونه آمار و ارقام دهی بلندگوهای امپریالیسم آمریکا هم از همین زمره است. ولی آمار و ارقام واقعی

انتخابات ریاست

دارد و مسئله های انقلاب از هر تیر دیگری نیز موجود است: از

طرف زیان نمیکشد و مقدمات یک جنگ جهانی امپریالیستی از طرف ابرقدرتها و سایر امپریالیستها تدارک دیده میشود، بررسی سیاستهای امپریالیسم آمریکا بمانند یکی از دوا بر قدرت جهانی در مقابل روندهای جنگ و انقلاب برای تعیین سیاستها و تکنیکهای مشخص انقلابیون همه کشور های جهان واجب می باشد.

مادرا بین مقاله فقط به برخی واقعیاتی که این انتخابات نشان داده است بطور اجمال اشاره میکنیم و بررسی سیاستهای مشخص جناح برنده در انتخابات را بطور مفصل در آینده ای نزدیک با خواهیم شکافت.

۱- بلندگوهای امپریالیسم آمریکا و سایر امپریالیستها با بوق و کرنا از پیرو

زی "قاطع" ریگان شکست "فاحش" کارتر در این انتخابات باثدا سخن میدهند. این بلندگوها با آب و تاب میگویند که ریگان ۵۱٪ آراء را در مقابل ۴۵٪ برای کارتر بدست آورد. ولی گاهی اوقات آمار و ارقام از طرف امپریالیستها و سر

این واقعیت نه پیروزی "قاطع" ریگان و نه "شکست" فاحش کارتر هیچکدام را بروز نمیدهد. اینکه کارتر "شکست" خورد و "ریگان" پیروز شد، نکته ای بدیهی است و هیچ کمندی، بسته بررسی ما از واقعیتهای هفته در جامعه آمریکا نخواهد کرد. این واقعیت فقط اشاره به نکات زیرین دارد: اولاً - در این انتخابات

حزب توده، 'برادران' آمریکایی اش و انتخابات آمریکا

کهنه کار فراموش کردند که یک صفحه بعد نوشته اند که یکی از نامزدهای انتخاباتی گاس هال - رهبر حزب رویزیونیست آمریکا - بوده است. "با دارمیشوریم" که نامزدهای مترقی (!!)، از جمله گاس هال و آنجلاد بیوس کا نندیهای حزب کمونیست ایالات متحده آمریکا برای ریاست و معاونت جمهوری، با موانع حقوقی فراوانی در طول مبارزه انتخاباتی با شی مواجه گردیدند، که آشکارا با قانون اساسی آمریکا و قوانین ایالات مختلف آن کشور تناقض دارد. فزون بر این، آنها طبیعتاً (!!) نمیتوانستند از بودجه ۵۰ - ۳۵ میلیون دلاری احزاب 'دمکرات' و 'جمهوریخواه' برخوردار باشند. حزب توده، خود و برادران آمریکایی اش را الوداده است. در حالیکه بنا به گفته خود حزب توده، اکثریت مردم آمریکا با عدم شرکت در انتخابات بنوعی مخالفت خود را با نظام اجتماعی حاکم - همه نامزدها - نشان داده اند. حزب "کمونیست" آمریکا با شرکت در این انتخابات و مسلماً تشویق طبقه عقبه در صفحه ۹

یک شکست بزرگ مواجه گشت. آن "سیستم آزادی" که امپریالیستهای آمریکائی به همه مردم دنیا وعده میدادند، آن خاکمیت اکثریت "که گویا در مهد آزادی" دروغین و کاذب یعنی خود ایالات متحده - برقرار بود، حتی دیگر در نا هر نیز وجود ندارد.

ثانیاً - عدم شرکت اکثریت مردم آمریکا در انتخابات ریاست جمهوری آمریکا فقط اشاره ایست به بی اعتمادی مردم آمریکا نسبت به هر دو کا نندیهای ریاست جمهوری، فقط اشاره ایست به بی اعتمادی نا آگاهان مردم آمریکا نسبت به امپریالیسم آمریکا!

اکثریت مردم آمریکا نشان دادند که اینبار دیگر به کارناوالهای انتخاباتی احزاب "دمکرات" و "جمهوریخواه" (و حتی کا نندیهای "مستقل" آندرسون) و وعده و وعید های رویا برانگیز نمایندگان جناحهای مختلف امپریالیسم آمریکا، اعتمادی ندارند. این امر نشان دهنده شکل گیری یک بحران سیاسی اجتماعی در جامعه آمریکاست. عوامل این بحران و بی اعتمادی عمومی مردم آمریکا چیست؟ جامعه آمریکا با یکی از بزرگترین بحرانهای اقتصادی پس از جنگ جهانی دوم روبرو است. فشار ناشی از این بحران، کم

مردم آمریکا و در درجه اول - طبقه کارگروسیاهان آمریکا را خم کرده است. نرخ تورمی معادل ۱۳٪ در سال، نرخ بیکاری "رسمی" مساوی با ۹٪ - بیش از ۸ میلیون بی کار - که بر تابت کمتر از بی طبقه در صفحه ۷

جناحی از امپریالیستهای آمریکایی بر جناحی دیگر تفوق یافتند، گروههای مالی مشععی بر گروههای مالی رقیب برتری یافتند ولی امپریالیسم آمریکا پیروز نشد! "دموکراسی" بورژوا امپریالیستی با

پیشروی نیروهای تجا و زکار عراقی در روزهای اول بسوی خرمشهر، که تنها ۱۵ کیلومتر تا مرز عراق فاصله دارد، بیشتر جنبه غافلگیرانه داشت و هیچ گونه آمادگی جنگی در طرف ایران موجود نبود. در حالیکه

مروری بر

بقیه از صفحه اول

به شهادت مدتها سربا زمین پزست ما مها بود که ارتش عراق در مرزهای خود با کشور متخاصم استحکامات جنگی و آشیانه‌های تانک برای خود میساخت و همه این تدارکات آنها دهها بار توسط سربا زان و درجه داران و عناصر مسئول و مومن به انقلاب و کشور نه تنها به گوش فرماندهان ارتش بلکه به اطلاع رهبران جمهوری اسلامی رسیده می‌شد، آنها هیچگونه خونسبی بدل راه ندادند و آمادگی دفاعی بوجود نیامدند، در همان زمان که حکومت بعثی مزدور عراق بتحریر و با کمک ابرقدرتها به تدارکات نظامی خود در مرزها و تشکیل ستون پنجم خود داخل کشور مشغول بود، تیمسار مدنی خائن، این استناد را به اصطلاح دلیر خوزستان مشغول به آتش کشیدن خوزستان و برقراری حکومت نظامی در خرمشهر بود و افراد معلوم الحال و وابسته به حزب جمهوری و چماق دارانش به فتنه و آشوب و ایجاد تفرقه در میان مسردم مشغول بودند. همانهایی که در همان نخستین روزهای حمله ارتش متجا و زکار عراق با بقصر آنها ده مردم را تنها گذاشتند، در این روزها تنها یک تسویب ۱۰۶ و تعدادی تفنگ ژ-۳ در این شهر نزدیک به مرز وجود داشت، و تنها ممت‌های گره کرده توده زحمتکش شهر، گروههایی از پناهداران مومن به استقلال کشور و هدفهای آزمانی خود و انقلابیون واقعی مدافعان و محافظان شهر بودند. با این وضع بود که خرم-

جبهه کانون اصلی شهادت دشمن را تشکیل میدهد. مردودان بعثی با پشتیبانی ابرقدرتها و جدا انقلاب منطقه تنها در این جبهه تخمینا بیست و هفت نفر با کلیه تجهیزات نظامی، چندین توپخانه و صدها تانک و غیره بمیدان وارد کرده اند، در اینجا جنگی کاملاً نابرابر جریان دارد. جنگی میان صدها خمپاره انداز، توپهای خمسه خمسه، موشک اندازها و نیروی وسیع زرهی ارتشی پوتشی برای آنها فراهم می‌کند. این جنگی است که در آن گاه چندده نفر از هم میهنان رزم آور کشور ما در برابر چندین هزار سربا دشمن متجا و زکار، که تسابندان مسلح است، دلاورانه ایستاده اند و با این نیروی کم ولی با ایمان و عزیمت خویش دشمن را به عقب رانده اند.

تجربه مقاومت یکماهه خرمشهر و نبردهای اخیر در جبهه آبادان - خرمشهر نشان داده است که ارتش متجا و زوالت دست عراق با وجود حمایت نظامی چند کشور از آن و برتری لجستیکی در برابر نیروهای خودی بسیار زودمانده است و با ترس و لرز حرکت می‌کند. نفرات دشمن تنها پس از آنکه مدتی و گاه برای چند روز متوالی مواضع مقابل خود را از دور با توپهای دور زن و خمپاره کوبیدند، حرکت پیدا می‌کنند، و در صورت برخورد بسیار کوچکترین مقاومت جدی در برابر خود رتن به تن با نیروهای خودی پایه فرار می‌نهند.

شهرها هجوم وحشیانه تانکها و لشکرزرهی دشمن متجا و زواری گردید. در این زمان نیروی زمینی دست به عقب نشینی زده و هجوم تانکهای دشمن به شهر آغاز شده بود. ولی مردم قهرمان خرمشهر تقریباً دست خالی به دفاع از شهر خود برخاسته و دهها تانک مهاجم را به آتش کشیده و تنها جم مزدوران عراقی را درهم کوبیدند. مزدوران بعث با خوردن چنین ضرب سستی از طرف مردم قهرمان خرمشهر با بغرا رنهاد و به عقب نشینی مجبور شدند، در اینجا وظیفه توپها و تانکهای ارتش بود که با استفاده از هزیمت و آشفستگی اردوی دشمن ضربات کوبنده‌ای بر آن وارد کرده و از تجدید قوا و بازگشت آنها جلوگیری کنند. فرماندهان ارتش ترجیح داده بودند که تانک و توپهای مسار در پادگانهای تهران و دیگر جاها خاک بخورند و با پیشروی نیروهای خودی کار نکنند. ارتش مزدور عراق پس از این شکست مفتضحانه تاکتیک خود را عوض کرد و این بار بجای گسیل تانکها و نفربرهای رزمی خود به بمباران بی‌امان شهر پرداخت و توپهای خمسه خمسه خمپاره اندازها و جنگنده‌های هوائی عراق بی وقفه به کوبیدن شهر بی حفاظ خرمشهر پرداختند. بر اثر این حملات نا جوان سردانه و بزدلانانه دشمن، که از بیم نبردتن به تن با جوانان قهرمان خرمشهری از دور به پرتاب گلوله توپ و خمپاره متشبث شده بودند، صدها تن به شهادت رسیدند و البتة تعداد بسیاری از اهالی بسی دفاع شهر نیز ناجا ربه خروج از شهر خود شدند. از این پس تعدادی از قوای ارتش ایران، پناهداران و حدود ۳۰ نفر از جوانان رزمنده و انقلابیون خرمشهر مسئولیت دفاع از شهر را بر عهده گرفتند. لازم بذکر است که در این زمان ارتش مزدور عراق مقداری بسیار زیادی ساژ و بیسک جنگی در این جبهه وارد کرده

بود و دولتشکرگامل عراق در کار زار شرکت داشتند، در حالیکه فرماندهان ارتش ما که هیچ به فکر تحکیم موقعیت دفاعی کشور نیستند سربا زان زحمتکش و میهن پرست را با خدا کشر سلاح آرمی، جی و یکی دو توپ ۱۰۶ به جبهه فرستادند. می‌گفتند که مواضع دفاعی ایران را حمله و در مقابل مواضع دشمن جویس فانتومهای ایسرا بمباران کردند. بعلاوه در میان نیروهای خودی فرماندهانی روشنی وجود نداشت و نقشه معینی برای عقب راندن مهاجمان عراقی از شهر در میان نبود. در تمام مدتی که بر اثر پیشروی ارتش مزدور بعث به خرمشهر نبرد در شهر جریان داشت ندانم کاری و گاه غیبتهای آشکار از سوی برخی فرماندهان خودی ضربات مهلکی را برای مدافعان قهرمان شهر به ارمغان می‌آورد. تعداد زیادی از سربا زان و دهها نفر از تکساوران تنها به خاطر دستورهای غلط و شایعه‌های فرماندهان در محاصره مزدوران عراقی قرار گرفته و به کشتن داده شدند. در تمام طول جنگ مقاومت خرمشهر قولهای زیادی درباره ارسال کمک توپخانه و تجهیزات به سربا زان و پاسداران و سربازان رزمندگان دلیر شهردا ده شد. ولی هیچگاه خبری از آنها نشد. توزیع مهمات طبق نظم معینی نبود و قاعدای برای تعویض سربا زان خسته در سنگرها ایشان با نیروهای تازه نفس وجود نداشت. تا بسامانی و هرج و مرج در میان نیروهای خودی کاملاً چشم می‌خورد، در حالیکه تنها شور میهن پرستی و ایمان و شهادت و غیرتشان بود که آنها را همچنان استوار در برابر دشمنان انقلاب و آزادی و استقلال کشورشان قرار داده بود. در این شرایط بود که حماسه قهرمانانه مقاومت شهر بقیه در صفحه ۱۰

جمهوری در حرف دم از مبارزه تا آخر با بر قدرتها و تجاوزها و زکات ران مزدور بستی میزنند، و لسی در عمل از همان سیاستهای تفرقه افکنانه و جوسازی ارتجاعی پیروی میکنند که بسرای

مخالفین سیاسی خود میا هوراه میاندازند، روزدیگروز ارتجاع نه ای تعطیل کرده و برای بستن فلان روزنامه جنجال بهائی میکنند، روزی بعد برای ضربه زدن به مجاهدین خلق به جوسازی مشغول میشوند و در بیخوبه جنگ بفکر محاکمه ساداتی میافشند با روز بعد بر سر تصرف رادیو تلویزیون قبیل و قال میکنند و حتی برخلاف مفاد قانون اساسی خودشان بگپرو بپند راه می اندازند، تمام این امور به خاطر آنست که رهبران این

کشور تشکیل میدهند، بیش از آنکه بفکر پیروزی ایران در این جنگ باشند، بفکر پیروزی خود در بهانحصار کشیدن قدرت هستند و تمام تلاششان این است که از شرایط جنگی حاضر حداکثر استفاده را برای بسط و تثبیت قدرت خود بنمایند. بعبارت دیگر آنها قبل از پیروزی ایران در این جنگ پیروزی خودشان را در جدال قدرت خواهانند، زیرا نیک میدانند که اگر جنگ فعلی با این زودبیا بنفخ ایران تمام شود بسیاری از عوامل بضآننها باز خواهند گشت و علاوه مردم نیز تحمل آنها را نخواهند کرد.

تلاش دارودسته حزب جمهوری برای بهانحصار کشیدن قدرت خواهان خواهد هر چه بیشتر این دارودسته را در جامعه به انفراد گشاده و آنرا به سازش و جلب پشتیبانی بین المللی (از جانب ابر قدرتها) متمایل میکنند، برای همین ما مشاهده میکنیم که در شرایطی که ملت در جنگ تمام عیاری با تجاوزکاران مزدور و عوامل سیاست ابر قدرتها در تهران از ترس انفراد سیاسی در داخل و کسب شناسایی بین المللی در خارج در فکر سازش و مصالحه با ابر قدرتها میباشند و گوی سبقت را از جناحهای لیبرال می ربایند، آنها می که در دعواهای ارتجاعیشان با جناحهای لیبرال و برای جلب جریانهای انقلابی مذهبی هر گونه تمس و مذاکره بنمایندگان آمریکا و سازمان ملل را محکوم می شمردند، ناگهان در شرایطی که جنگ ما با آنها آغاز شده است آنها به مذاکره با آنها می نشینند و در پیشبرد در نیویورک و الجزایر وارد مباحثات میشوند که از افشای آن برای ملت ایران بیمنان کند، حزبی که از سر مصلحت و برای چند ضابطی بقیه در صفحه

بقیه از صفحه ۴

ایجاداشعا با چند دسته گسی در صفوف مردم، بیوز در لحظات کنونی بدر با بر قدرتها و تجاوزکاران مزدور آنها میخورد.

جو خفقان و بگپرو بپند در این شهرهاست، بطوریکه همه مردم این نقاط از دست این حضرات که در بسیاری از مساجد و کمیته ها نفوذ دارند دست و پا نمیدانند. آنقدر که این افراد به اخلال در جنبه داخلی مشغولند، بفکر سرنوشت مقاومت مردم ما در برابر تجاوزکاران عراقی نمینمایند، سیاست دو بیه زنی مخالفت با تسلیح و تشکل مردم و جوسازی آنها دلیل اصلی تخلیه نسبی شهرهای آبادان و اهواز میباشند، آنها آنقدر که در زدن انقلابیون و توده های خواهان مقاومت مردم فعالند، در زدن دشمن تجاوزکار ربعتی غیر فعال هستند، و بلکه حتی بسیار بزدل اند و تنها در تهران و دور از میدان جنگ میتوانند با دیبه غیب از کارهای نا کرده خود در جنبه جنگ سخنوری کنند.

چگونه کارتر 'شیطان بزرگ' تبدیل به 'منافق' میگردد؟

خامنه ای، امام جمعه تهران، در نماز جمعه اخیر اعتراف جالبی میکند، او به نکته جالبی اشاره میکند که نموداری از سازش کامل سران جمهوری اسلامی با کارتر بر سر گروگانهای جاسوس است. خامنه ای اعتراف جالبی میکند که نموداری است از راجح دانستن کارتر بر رهبران از جانب رهبران حزب حاکم و توجیه سازش اخیر با امپریالیسم آمریکا، او در نماز جمعه اخیر (۱۶ آبان) در خطبه اول در پاسخ به سؤال مردم، در مورد سازش اخیر و تغییر سیاست جمهوری اسلامی در قبال آمریکا میگوید:

"... مسئله گروگانها و هم چنین تغییر دستگاه رهبری آمریکا این سوال را بوجود می آورد، که سیاست جمهوری اسلامی در مقابل آمریکا چیست؟" و سپس در توضیح تغییرات در هیئت حاکمه آمریکا می افزاید:

"... فرق بین این دو حزب فرق منافق و کافر است آن قبلی منافق بود... و اما این یکی کفر صریح است." (روزنامه جمهوری اسلامی - ۱۷ آبان ۵۹)

منافق خواندن کارتر از جانب امام جمعه تهران، که تنها چندی پیش شیطان از جانب ایشان نامیده میشد، از یک طرف نشان دهنده سازشکاری سران حزب حاکم با کارتر امپریالیست بر سر مسئله گروگانها بوده که بدین وسیله برای مردم "توجیه اسلامی" میشود، از طرف دیگر نشان دهنده موضع واقعی و حقیقی این حزب در مورد ماهیت امپریالیستها و ماهیت تفرقه افکنی این حزب با امپریالیسم است، اگر شیطان بزرگ از "زاویه اسلامی" ایشان می تواند به منافق تبدیل گردد، آیا ریگان نمیتواند در روزی به همین سرنوشت دچار گردد؟ همین نکته از جانب سوم بیان کننده دلالت صفتی "معیارهای اسلامی" این آقایان میباشد که بر حسب مقتضیات روز به خرید و فروش و مصالحه گذارده میشود، در نتیجه ایشان علاوه بر اینکه برای توده مردم "دم خروس را از زیر قیاس"

بقیه در صفحه

رهبران این حزب و هم دستا نشان یک روز بر سر تسخیر فلان مقام و یا برای قدرت نمایی در برابر

رهبران حزب جمهوری در پشت جبهه در تهران به چه مشغولند؟

در حالیکه نیروهای متعهد کشور و جوانان غیر ملت ما در غرب و جنوب کشور خون میدهند و از انقلاب و کشور خود در برابر تجاوزکاران و راهزنان بیگانه حراست می کنند، عده ای هم در تهران نشسته هر روز توطئه ای پشت توطئه می چینند و در این کار زار بزرگ مرگ و زندگی بفکر بسط پایه های دیکتاتوری خود هستند، رهبران حزب

حزب جمهوری

همه عجله بیخروج دهد و هم با آیا - دی شناخته شده "شرق" نزدیک پیدا کند. ولی این یک واقعیتی است که همیشه پس از مدتی از پس پرده دردها هوای احزاب خودکامه و فتنه گر، که

بقیه از صفحه ۹۵
بتدریج به انفرادی سیاسی دچار میشوند، بیرون میزند و سرشت واقعی آنها را روشن میگرداند مگر حافظ اسدبعثتی دم از استقلال و کذا نمیزند و امروزه مهرهای در دست ابرقدرت روس نیست. عجب نیست که آقاسای رفسنجانی از رهبران حزب کدائی نیز همین حافظ را "بر" در انقلابی "خود" تشخیص داده است.

خود را محکمترین طرفدار محال کمه، گروهگانه های جاسوس آمریکائی جا میزند، و از همین رهگذر در میان جوانان و داندانجویان مبارزی که دست به عمل انقلابی تسخیر لانه جاسوسی آمریکا زده بودند تا حدی نفوذ پیدا کرد، ناگهان یک گام از مخالفین لیبرال جلو تیر برداشته و با عجله آزادی آن ها را خواستار شد و حتی قبل از تحویل این نظرات بر طبق مجلس به مذاکرات پشت پرده اقدام کرد. آنها چون در میان جنگ از شان کاری ساختن نیست و بلکه چون از پیروزی در میدان جنگ برای حفظ قدرت خود هراس دارند، میکوشند تا سر نوشت حتی المقدور در عرصه معاملات سیاسی پشت پرده و درازاء شنا سازی و تشییع قدرت خودشان تعیین گردد. سیاست سلب آزادی و تفرقه افکنی آنها در پشت جبهه سیاست منامه گری و سازشکاری آنها در عرصه بین المللی همراه است و بیخیز از هر زمان به نیات ابرقدرتها خصوصا آمریکا در شرایط جنگی حاضر فائده میرسانند.

چگونه حزب جمهوری اسلامی و حزب خائن توده بهم نزدیک میشوند

ظاهرا مسئله عجیبی است که حزبی که پیش از همه در باره شعار "نه شرقی، نه غربی" میاد و میکند، هم برای معامله با "غرب" در این اواخر ایمن

شی و با مطلق بعنوان افرادی که توبه کرده دین و ایمان آورده اند و سر و کله اشان در کنفرانس های رسمی پیدا میشود. در سال زمان رادیو - تلویزیون همکاری نزدیکی میان عناصر دو حزب، به بهانه مبارزه با لیبرالها، پیدا میشود و بخاطر این همکاری کم کم بند "نه شرقی" شعار یا شده می افتند و فراموش میگردند. موضع گیری اخیر جلال الدین فارسی در مورد رهنما درست بودن سیاست "نه شرقی برای جنبش فلسطینی و سکوت بهشتی در این باره (در مباحثه با روزنامه المسفیر) نموداری از این سیاست آقاسایان است. توجه آقاسایان حزب جمهوری اسلامی این است که فعلا محلت نیست که به شوروی، حتی درباره نقش آن در جنگ

چگونه کار تر...

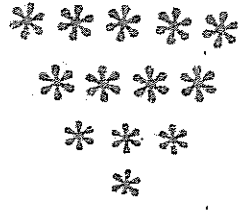
بقیه از صفحه ۹۵
نشان داده، در عین حال "دم را نیز بید تله" داده است، یعنی از یک طرف سازش اخیر را بصراحت آشکار کرده و از طرف دیگر ما هیئت معیارهای "فدائیسازی" خود را برای مردم بروشنی نمایان میسازد. مسئله سازش بر سر گروهگانه ها، که در حقیقت سازی است بر سر مسئله جنگ کنونی ایران و عراق از جانب رهبری حزب جمهوری اسلامی و همفکران، این مطلب را با دیگر عیسایان میسازد، این آقاسایان همانطور که در دوران شاه سابق اهل جنگ نبودند، در دوران جنگ کنونی نیز اهل جنگ نمیباشند. شعارهای "فدائیسازی" ایشان هیاهوی زیادی است برای هیچ.

در هر حال، امروز ما مشاهده میکنیم که میان حزب این آقاسایان و حزبی که آشکارا عامل و سربرنده ابرریالیسم شوروی است نزدیکی های بسیاری در حال بوجود آمدن است و اعضای دو حزب در برخی عرصه ها رفیقانه با هم همکاری میکنند، قبلا این موضوع در کارخانجات مشاهده میشد، ولی اکنون کم کم ایمن تشریک مسامعی در مراکز نزدیک به قدرت مشاهده میگردد. عناصر شناخته شده حزب خائن توده سازشکارانه با مسئولان حزب کدائی

خود را با حزب جمهوری با ز کرده و روزنامه "ارگان این حزب هر روز به تبلیغ و تمجید از حرف ها و اظهار نظرهای رهبران حزب جمهوری مشغول است. آیا این نیست حسن حزب جمهوری اسلامی به تبعیت از این یا آن جناح خود به دنبال این یا آن ابرقدرت میگردد. و شعارش را در عمل "یا شرقی یا غربی" گذارده است؟ برای ما شکی نیست همه دستجات خودکامه و زورگوبه هر شکل و قیافه ای که خود را در آورند سرانجام سر از آخور ابرقدرتها در خواهند آورد.

نکات بالافقط ویژگی های چندی از حرکت حزب جمهوری اسلامی است که بطور اجمالی بررسی گردید. این واقعیات با ردیگر بهمه نیروهای انقلابی و کمونیستی هشدار میدهد که مبارزه برای اشرف و وطن در حزب جمهوری یکی از وظایف مهم برای پیش برد انقلاب ایران میباشد.

مروری بر ۴۴۴
مهندسی اشان در روی رودخانه خراب میگردد. روحیه سربازان - دستگیر شده عراقی بسیار خراب بوده و اوضاع بدی داشته اند. در جریان این جنگ پیروز - مندان و نیز در کوی ذوالفقاری آبادان علیه این مهاجمان مزدور ستمی که حدود ۵۰۰ کما - ندوی عراقی بودند و تا رومار گردیدند، رفقای ما (اتحادیه کمونیستهای ایران) نیز فعالانه شرکت داشته و قهرمانانته با مزدوران عراقی جنگیدند.



دهند.
 مردم آمریکا نسبت به آینده‌ای که "رهبران" جامعه یعنی امپریالیست‌ها برایشان ترسیم میکنند بی‌اعتنا کنند. نه تنها امپریالیسم آمریکا بلکه

روند انقلابی عظیم هستند که میلیونها میلیاردها نفر را در کام خویش بحرکت درخواهند آورد. امپریالیسم آمریکا برای مقابله با این انقلابات خود را "آماده" میکند. درجمله امپریالیست‌های خونخوار آمریکا یعنی همه نوع سیاست و تاکتیک موجود است. ولسی امپریالیسم میداند و به تجربه دریافته است که با لایحه مسی

انتخابات ریاست

بقیه از صفحه ۴ همه جهان امپریالیستی

آینده‌ای در دست است و دهشتناکی است. فقیر بیشتر اقتصادی، جوانانی که در جنگ بخاطر منافع امپریالیست‌های آمریکا با یکدیگر شتند احتمال یک جنگ اتمی و ۵۰۰۰۰ مردم آمریکا نسبت به این آینده دردناک سخت‌ناتمکن هستند و نمی‌توانستند به این آینده رای اعتماد دهند. مردم آمریکا طبیعتاً خواهان آینده‌ای درخشان هستند ولی وعده و وعیدهای رویا برانگیزکانندیدهای ریاست جمهوری از درخشندگی "کاملای بهره‌بود" خلاصه کنیم. عدم شرکت اکثریت مردم آمریکا در اساس اشاره ایست به بی‌اعتمادی مردم آمریکا نسبت به آینده‌ای که در پیش دارند و این ابهام و گویی آنها را نسبت به این آینده بروز میدهد. این عدم اعتماد این‌ها رضایتی عمومی خود را بصورت یک مبارزه منفی - یعنی عدم شرکت در انتخابات - از طرف مردم آمریکا بروز داد

حزب رنجبران و انتخابات آمریکا

حزب رنجبران در باب پیروزی ریگان و در "تحلیل" از آن مینویسد: شک نیست که طبقات (طبقات) - حال کم‌آمریکا در ماه‌های اخیر همه گونه فعالیت را برای جهت دادن به افکار عمومی برای باز کردن این "عقده" (منظور "عقده ویتنام" است) انجام داده‌اند. در این فعالیتها جناح "باز" ها "وما جو" چوبیان یعنی ریگان و شرکاء بیش از همه فعال بوده‌اند. در این فعالیت، آنها به اعتبار خودشان از حوادث متعدد بین‌المللی بهره برداری کرده‌اند که اهم آنها دو حادثه بوده است. دو حادثه‌ای که تقریباً همزمان و در آخرین ماه‌های سال مسیحی گذشته بوقوع پیوست. اشغال افغانستان توسط ارتش شوروی و اشغال سفارت آمریکا در تهران. این دو حادثه از آن مهمترین عکس‌العمل منفعل کارتر در برابر آنها چنان مجزونا توانی آمریکا را بر ملا ساخت که وضعیت روحی مشابه وضعیت روحی پس از شکست ویتنام در جامعه آمریکا بوجود آمد. با این تفاوت که این بار برعکس گذشته، آمریکای میلی‌خورده طلب انتقام و اعاده حیثیت گردید. "رنجبران" (رنجبر شماره ۱۲۲) بعقیده "رنجبر" انتخاباتی -

کان بغا طران بوده است که مردم آمریکا از شکست‌هایی که امپریالیسم آمریکا متحمل گردیده است، سخت خشمگین هستند و خواهان "انتقام و اعاده حیثیت" هستند. انتقام از چه کسی؟ از خلق‌های جهان و بویژه و مشخصاً ایران، آنها بی‌گناهی "سیلی" را به گوش امپریالیسم آمریکا نواخته‌اند. مردم آمریکا خواهان "اعاده حیثیت" هستند: "اعاده حیثیت" از چه چیزی؟ از امپریالیسم خونخوار آمریکا، همان که "سیلی" را نوش جان کرده است! "رنجبر" برای پیشبرد خط آمریکا بی‌خود به "تحلیل" و "تفسیری" ویزان میشود مردم آمریکا به این خاطر به ریگان رای دادند که از "باز" است (اصطلاح "باز" و "کیوتر" که از چینه محافل رویزیونیستی - امپریالیستی سردر آورده است، می‌خواهند مردم این چنین تلقین کنند که امپریالیسم آمریکا دارای یک جناح جنگ طلب - بازها - و یک جناح "طلح طلب" - کیوترها - هست. بر مبنای این ادلا ثلاث گویا کندی‌ها، کارتر و... جزو "کیوتر"ها و ونیکسون و ریگان و... جزو "بازها" هستند) و در پی "عظمت و بقیه در صفحه ۸

کاری واقعی است و به خصوص در مورد سیاهان بیش از ۳۰٪ نیز میرسد رکود اقتصادی و... همه از نتایج این بحران شدیداً بنده، اقتصادی در آمریکا است. کارتر با وعده‌های بسیاری برای پایان دادن به این اوضاع اقتصادی وارد گناخ سفید گشت و شکست خورد. ریگان نیز جزو وعده‌چیز دیگری در چینه ندارد. حتی وعده - ویا گننده گویی او - در مورد کاهش ۳۰٪ از مالیاتها نتوانست مردم آمریکا را به سوی او جلب کند. سیاست واقعی او واقعیتی که در آینده مردم آمریکا با آن روبرو هستند در پیغام رئیس‌اطاق بازرگانان آمریکا به ریگان منعکس گردیده است: "مهم‌ترین مسئله ای که با آن مواجه هستیم این است که آمریکا ثبات را متقاعد کنیم که یک احیاء اقتصادی آن نیست و نمی‌توان یک شبه آنرا انجام داد." (اطلاعات - ۱۷۲ بیان آری آینده‌ای که مردم آمریکا با آن مواجهند و امپریالیست‌های آمریکا بی‌ظریق می‌خواهند آنها را بسداند "متقاعد" کنند آنست که فشار اقتصادی با زهم، و حتی بیشتر از گذشته، ادامه خواهد یافت. مردم آمریکا نمیتوانستند بدین برنا مهرای اعتماد

با بستن به زور متوسل شود برای همین هم ریگان و ایضا کارتر هر دو به از زمین بسردن "عقده" ویتنام. در میان مردم آمریکا کوشش کرده‌اند. امپریالیسم آمریکا، بناچار باید بر علیه انقلابات وارد جنگ شود و این امر را به مردم آمریکا

در بحران عمیقی شرو می‌رود بحران‌هایی که چون با طلاق، مسبق شرو مکرر تر می‌گردد. انقلابات رهایی بخش خلق‌های جهان اوج می‌یابد، و امپریالیسم آمریکا را خشانه مسی روند، انقلابات ایران و ونیکس را گوشه فقط طلبه‌های ایمن

این امر نشان دهنده رشدیابی تظاهراتی طبقه‌ای در امپریالیسم آمریکا است. این بی‌اعتمادی، این رضایتی عمومی به آگاه طبقه‌ای تلقین باید، آنگاه امپریالیسم آمریکا از نقطه بقیه در صفحه ۸

انتخابات ریاست

نظر داخلی بایک بحران عظیم در این میان موجود است. ولی انقلابی روبرو خواهد کردید. این نکته ایست که باید از طرف انقلابیون بروی آن حساب شود.

این بی اعتمادی مردم آمریکا نسبت به کل نظام حاکم، از همان فردای انتخاب ریگان جنبه عملی، جنبه اعتراضی هر چند ضعیف یافته در شهر بزرگی، آمریکا غذای از مردم آمریکا با شعار مرگ بر ریگان به اشغال یکی از ساختمانهای دانشگاه بزرگی دست زدند که پلیس آمریکا بکا با وحشیگری خاص خود ۱۵۰ تن از آنسان را دستگیر نمود. در آینده ای نه چندان دور، با همه فشارهای رشدیابنده اقتصادی - سیاسی که بر مردم آمریکا وارد میشود ما مطمئنانه اعتراضات سراسری وسیع شری خواهد هم بود.

ولی این همان نکته ایست که لیبرالهای وطنی در سوسیالیست و سوسیالیست ها را موش کردند تا مدتها با آنها نه همین نکته، اساسی است که باعث مسودلسرالهای وطنی سوسیالیست به مردم آمریکا را "گاو" دادند. "نیکسون با تکیه بر نظام و ارزشهای آن و امساحرات آمریکا میکرد. و نظام و مردم (!!) را تائید می نمود. آن قسمت از جامعه سیاسی که به فلسفه و علم راه یافتند در ریاست

فته است ثابت میکنند که این موارد اکثر ابدلایی ۰۰ پیرو - زی با دومی است. "گاوها" تا - شید میخواستند... (انقلاب اسلامی - سرمقاله "خرچرا،؟" ۱۵ آبان ۱۳۵۹). آری "گاو"

آن بیشتر از ۵۰ درصدی که انتخابات را عملیات تحریم کردند بحساب نمی آیند. همین بی اعتمادی و ابهام نسبت به آینده، دردناک مقابل مردم آمریکا است که لیبرالها قادر به درک آن نیستند و نشان سر می دهند که "روانشناسی" فاشیستی بر مردم آمریکا غالب شده است و "دلش" هم مبارزه ضد

غیر ذالک توانستند دوباره همان امتیازات سابق از دست داده ی خویش را با زس به گیرند... انتخاب طبیعی، "گاو چرانی" بود که بتوانند گاوهای خود را در سراسر آب و علفزارهای سبز توید دهند. (همانجا) ولی واقعیست. و اما روارقام - همانطور که ما نشان دادیم - اساسا مسئله ای دیگر را نشان میدهد. "گاوها" آن لیبرالهای سوسیالیستند که فکر میکنند و می نویسند "مک گاورن کسل نظام آمریکا را اقل در بعد سیاسی - نظامی آن مورد، سوال قرار داده بود" (همانجا).

حزب رنجبران

بقیه از صفحه ۷

از جمله نظامی طیس و فعال تراز کودتای ۱۸ تیر، فعال تراز براه انداختن تجا و آمریکا بی مدام! "رنجبر" عا مدانه سخنی از تحریم انتخابات بوسیله اکثریت مردم آمریکا بسمیان نمی آورد. چون این امر نشانده ضعف (نه از قماش آن "ضعفی" که "رنجبر" برای آن دل میسوزاند، یعنی ضعف امپریالیسم آمریکا در مقابل انقلابات و دژها و بقایای درون - امپریالیستی) و بجزرانی بودن جا معده آمریکا است. "رنجبر" یک آمریکای قوی میخواهد، آمریکایی که بمحض اشغال افغانستان توسط شوروی هرگونه "مداراجویی" را کنار گذاشته و به این منطقه نیرو گسیل میداشت. "رنجبر" چون ریگان، و همه امپریالیستهای آمریکایی، جنگ طلب و جنگ افروز است!



امپریالیستی مردم ایران، گروگان گیری بوده است: ولی "گروگان گیری پیش آمد... نتیجه آن روشن بود هر دم روشن ترمیستند، آن صدای اعتراض در آمریکا که با مخالفت با جنگ ویتنام و واشر - کیت و غیره بفرآزمده بود فرو کشیدن گرفت، با تکیه بر ملیت گرایی کور و غرور ملی کاذب، صاحبان صنایع نظامی و نفتی و

افتخار آمریکا با مردم آمریکا - به این خاطر به ریگان رای دادند چون گاو تر در مقابل انقلابات و سرکوب آنها، و در مقابل با ابر قدرت شوروی و رقابت با این امپریالیسم رقیب، "عکس العمل منفی" اختیار کرده است "رنجبر" بدین ترتیب نقش یک پادوی امپریالیسم آمریکا - آنهم همان جناح با اصطلاح "باز" - را بازی میکند. "رنجبر" مردم آمریکا را جنگ طلب، خواهان سرکوب انقلاب خلقهای دیگر و بیگ کلام روحیه شان را کاملاً منطبق با روحیه امپریالیستهای آمریکا بی معرفی میکند. "رنجبر" عا مدانه سخنی از تحریم انتخابات بوسیله اکثریت مردم آمریکا بسمیان نمی آورد، چون آنگاه "تحلیل های" آنچنانی اش یکسر به بر باد خواهد رفت. "رنجبر" یک آمریکای قوی میخواهد، آمریکایی که بمحض اشغال سفارت توسط دانشجویان ایرانی، عکس العمل فعال، نشان میداد، البته فعال تر از آنچه که گاو رنشان داد، فعال تر

هستند که فکر میکنند و می نویسند "مک گاورن کسل نظام آمریکا را اقل در بعد سیاسی - نظامی آن مورد، سوال قرار داده بود" (همانجا).
 ۲ - در این انتخابات برای اولین بار پس از جنگ جهانی دوم یک رئیس جمهور آمریکا - کارتر - برای بار دوم نتوانست به کاخ سفید راه یابد. (فورد نیز در ۱۹۷۶ با این کهرئیس جمهور بود در انتخابات شکست خورد. ولی فورد پس از استعفا نیکسون در اثر افتضاح و افسردگی بر سر کار آمده بود و "منتخب" مردم آمریکان نبود) این امر نشان دهنده "چیزیست؟
 جهان امپریالیستی در یک بحران عمیق دست و پا میزند، یکی از نتایج این بحران - رشد تضاد های درون اردوگاه امپریالیسم، رشد تضادهای بین کشورهای امپریالیستی و هم چنین رشد تضاد بین گروه بندیهای مالی متفاوت در درون هر کشور - امپریالیستی است. این تضادهای رشدیابنده بخصوص خود را در امپریالیسم آمریکا که به افتضاح و ترگیست سقوط نیکسون منجر گردید، هنوز هم باشد اما دارد. این تضاد های درونی در اساس برای بقیه در صفحه ۹

این "ناکا می" ها را ظاهر بر سر کارتر، عدد لیاقتش، عدم توانایی وی در "زهبری" و... خراب میکنند، در صورتیکه در اساس این "ناکا می" ها در اثر رشد تفاهدهای موجود در عرضه بین المللی، قدرت گیری

انتخابات ریاست

بقیه از صفحه ۸

تفوق یک گروه بندی امپریا - جنبش های توده ای خلقی ای لیستی بر گروه بندیهای دیگر در بند و... است. این "ناکا - است که در دورانهای بحرانی می ها "در اثر عدم توانایی

بشدت با لامی گیری، عدم توازن بر سرسیا - ستها ی مشخص در رابطه با چگونگی برخورد به موانع و مشکلات مقابل پای امپریا - لیسیم در برخورد به تفادهای داخلی و خارجی که با آن رو - برو می باشد. از تیلورات ایسن مبارزه بر سر قدرت است. شکست کارتر و عدم انتخابش

حزب توده

بقیه از صفحه ۳

کارگر (که خوشبختانه پایداری در بین آنها ندارد) و مردم آمریکا برای شرکت در آن برخلاف مسیر درست هر چند تا آگاهانند - مدت دم آمریکا گام نبر میدارد. اگر فقط - فقط جناب گاس هال از ۵۰ - ۳۰ میلیون دلار پول برخوردار بود (که اطلاق آوریش کار مشکلی نباید باشد - فقط کافیست هر - کارگر آمریکایی یک دلار به این "رهبران" خود کمک مالی نماید) و قانون اساسی

برای بار دوم، نشان دهنده آن امپریالیسم آمریکا در مقابل - است که باند های مختلف امپریا - بله با جنبشهای توده ای خلقی یا لیسم آمریکا در مجموع بد - ها و شکست سیاستهای اقتصادی یس نتیجه رسیده اند که کارتر امپریالیسم آمریکا در این - نتوانسته است موقعیت امپریا - مورد و... حاصل شده است. یا لیسم آمریکا را در مقابل امپریالیسم آمریکا هم این - انقلابات و همچنین در مقابل امرای بخوبی میداند، و بنا بر - سوسیال امپریالیسم شوروی این میبایستی "رهبر" - تقویت کند.

آمریکا سر بر آورده و برای او - لین با ریا انتخاب نیکسون به ریاست جمهوری، تفوق در قدرت سیاسی امپریالیسم آمریکا را در مقابل رقیبان قدیمی شرق آمریکا بدست آورد. این باند امپریالیستی در پی قبضه قدرت در دوران - نیکسون بود، با مبارزه ای جدی

از طرف رقیبان روبرو گشت و در آن دوره، مبارزه شکست خورد و نمانده اش، نیکسون، مجبور به استعفاء و کناره گیری شد. ولی این باند امپریالیستی دوباره سر بر آورده و مجددا قدرت بر سر را به کف آورده است.

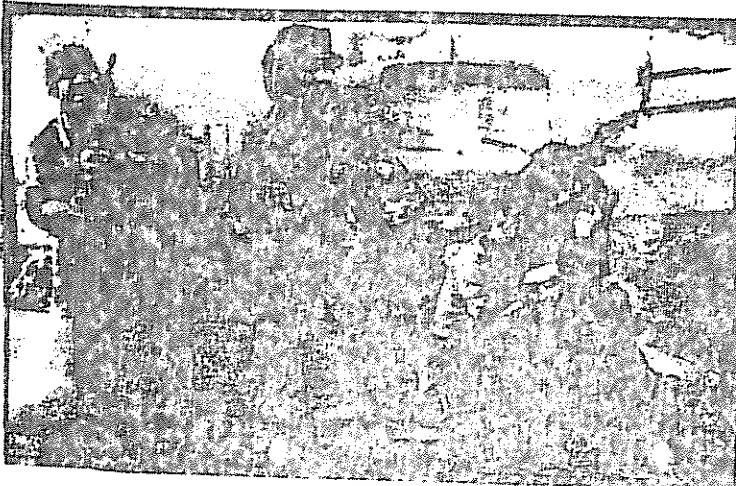
تری برای مقابله با تضادهای موجود است. عدم انتخاب مجدد کارتر دقیقاً بخاطر شدید مبارزه بین گروه بندیهای امپریالیستی در درون آمریکا و شکست سیاست های امپریالیسم آمریکا در مقابل تضادهای مقابل پایش بوده است.

۳ - نتیجه انتخابات آمریکا بقدرت رسیدن مجدد بله و ارتگریت می باشد. با تدوین گیت، همان باند امپریالیستی نسبتاً جوانی است که از غرب

این نکات اجمالی در بررسی نتایج انتخابات آمریکا بودند. ما در آینده درباره باندی که به کاخ سفید راه یافته است، ارزیابی این باند از مسائل مقابل پای امپریالیسم آمریکا و سیاستهای مقابل باند آنها و... بطور مفصل خواهیم نوشت.

رفقا و دوستان مبارز:

کمکهای مالی خود را از هر طریق ممکن برای ما ارسال نمایید!



برای مقابله با تجاوز ارتش مزدور عراق متحد و مسلح شوید!

انجمنه کمونیستهای ایران

یعنی تا زمانیکه شهر (قسمت اصلی آن تا پلی که خرمشهر را به جاده آبادان وصل میکند) به تصرف بعثی ها در آمد، مربوط میشود. از این پس نیروهای خودی و در آن طرف پل خرمشهر

مروری بر

بقیه از صفحه ۴

خونین خرمشهر، که یکماه بطول انجا میدوید و با دوست و دشمن را برانگیخت، بوجود آمدن حماسه ای که مصالح آن را فقط ایمان و قهرمانی انقلابی فرزندان دلیمر ملت ما تشکیل میداد. آنها در برابر یورش انبوه سپاهیان دشمن، که تا دندان مسلح بودند و با نوا با نیروهای زرهی تازه نفس تقویت می گشتند، ایستادند، بارها حلقه های محاصره دشمن را در هم شکستند و با نیروهای اندک خود ضربات سهمگین بر «ای دشمن متجاوز و زور گرد» در این جنگ قهرمانانه و نابرابر ۹۰ روزه ساداران جان برکف خرمشهر بشهادت رسیدند و تنها تعداد اندکی هنوز زنده مانده و در راه بازپس گرفتن شهر خویش بمبارانها و بمبارانها دهند. همچنین حدود ۶۰ درصد از سربازانی که به جبهه خرمشهر گسیل شده بودند شهید و زخمی شدند و تنها ۲۵ درصد جبهه را ترک و ۱۵ درصد نیز زنده مانده و شهادت دادند. تعداد زیادی از تکاورانی که در جبهه نبرد ما نندند بشهادت رسیدند. از جوانان انقلابی و قهرمان شهر که همیشه در خط اول جبهه قرار داشته و عاشقان شهرو و وطن خود دفاع کردند حدود ۵۰ درصد بشهادت رسیدند. حال آنکه ما بقی آنها بد جز تعدادی که جبهه را بطلان پیمانسی های موجود و عدم کمک رسانی که گفتند همچنان قهرمانان ما می جنگیدند. این اطلاعات به دوره یکماهه و مقابله و مست خرمشهر تا هفته اول آبانماه

چریکهای فدائیان خلق (اکثریت) تنها در یکی دو هفته جنگ در جبهه خرمشهر حضور داشتند و پس از آن هر یک به بهانه های پوچی جبهه را ترک کرده و از بیکاران و درویشها مهاجران دست کشیدند. البته علت این حضور کم رنگ و سپس غیبت ایشان از صحنه های جنگ برداشت نادرست و کاملاً انحرافی آنها از ماهیت جنگ کنونی و یکرشته مسائل دیگر است که جداگانه به آنها بپردازیم. شده و با زهم خواهد شد. بعلاوه از انحراف افکاران چپ، این مدعیان مارکسیسم که ما به آبروریزی مارکسیسم اند، در این میدان کارزار تاریخی خلق قهرمان ما با توطئه های ابرقدرتها و دستاورد سازمان میریالیسم هیچ خبری نیست. پیروان خط مشی ضد مارکسیستی و ضد ملی "پیکار و هم چنین "وحدت انقلابی"، "اقلیت فدائیان خلق" و ما - نخدایشان از همان ابتداء به دستمال کار خود رفته و از پشت به تمسخر مقاومت عادلانه مردم ما مشغولند. از دو پهلوی گویا - نی چون "رزمندگان" نیز که ضمن هم نظری اساسی با آن دیگران از لزوم ایستادگی در برابر متجاوزین سخن می راستند خبری نمیباشد. آنها با فرار خود از جبهه نبرد حق و باطل، از خرمشهر قهرمانان و هم چنین از آبادان و سایر شهرها - شی که خود را برای دفاع از انقلاب و میهن خود آماده می کنند، در واقع از جنبش کمونیستی و انقلابی ما فرار کرده - اند. زیرا امروز جای کمونیست ها و همه انقلابیون راستین کشور در این جبهه و در این جنگ مقدس میباشود و هر جای دیگر جای بزدلها، فرصت طلبان و توطئه گران سیاسی است.

روزهای ۲ و ۳ آبان اطراف خسروآباد مورد حملات خمپاره های مزدوران عراقی واقع شده و حتی تلاشهایی برای رخنه به این منطقه صورت گرفت که با حمله متقابل این تلاشها داغان شده و موفق نگردیدند. خرمشهر - آبان ۲ : یک فانتوم اشتباها مواضع خودی ها را کوبیدند. با وجودیکه مزدوران عراقی فرمانداری را در دست داشتند آنها را از طرف مرکز شهر به قسمتهای کشتارگاه عقب رانده اند. آبان ۱ : آبان ۱ : در روزهای اول و دوم آبان ماه در مجموع ۱۱ نفر به جرم جاسوسی برای عراق تیرباران شده اند. آبان ۵ : بسیاری از مردم سقوط خرمشهر را نتیجه کم کاری ارتش و خیانت فرماندهان آن دانسته و این واقعه را مقدمه سقوط حتمی آبادان میدانند. در ضمن بسیاری از پاسدارها نیز چنین فکر میکنند. طبق افادات رادیویی با ملاح "صدای آزاد" نیروهای عراقی گفته اند که قصد دارند با تنگ شر کردن حلقه محاصره اهواز و آبادان این دوشهر را تصرف کرده و سپس با یک یورش همه جا نهب و وسع کار در زفول را نیز یکسر نمانند. طبق اخباری اوضاع در بغداد دغیر عادی بوده و بگیر و بینداز طرف بعثی ها بطور وسیعی صورت میگیرد. این خبر خود بیانگر بی ثباتی رژیم مزدور بعثی و سرنوشت محتوم آنست. آبان ۶ : در ناحیه ایستگاه ۷ قوای مزدور عراقی حدود ۵ کیلومتر عقب رانده شده اند و در ۱۵ کیلومتری آبادان مستقر هستند. بقیه در صفحه ۹۹

کا رمندش کت نفت تلفات رسا...
 شده است .
 پنج شنبه ۸ آبان :
 * امروز یک بمب دوزا که گویا
 علامت محاصره است در آبادان
 انداخته شده که تا مدتی بسک

مروری بر

بقیه از صفحه ۹۰

* قوای مزدور عراقی که در بنا...
 حیه ما رد مستقر بوده اند، دوشا...
 شده بخشی به سمت اهواز
 رفته است و بخشی آبادان را
 زیر آتش گرفتند .
 * در ۵ آبان یک بمب ۲ تنسی
 به شهر خرمشهر انداخته شده و
 شهر زیر آتش توپخانه ایران
 قرار داد که تلفات زیادی به
 نیروهای عراقی وارد شده است
 ۷ آبان :
 * حدود ساعت ۵/۵ تا ۶ محدوده
 پالایشگاه مورد آماج توپخانه
 عراقی ها قرار گرفته که دوتانک
 نفت منفجر گردید .
 * با آماج یک خمپاره به
 شهر بانی یک نفر زخمی گردید .
 * کلانتری نزدیک فرودگاه
 مورد آماج یک راکت قرار
 گرفت که در نتیجه آن ۷ نفر
 کشته شدند .
 * اتوبوس شرکت نفت که عازم
 ما شهر بود ، مورد آماج قرار
 گرفت و در نتیجه آن به ۱۳ نفر

دائرة سفید رنگ دودی بر فراز
 شهر ایجا دکرده بود .
 * روز گذشته بیما رستان او -
 پی - دی آبادان را با موشک
 و خمپاره زدند که بخش نادان -
 سازی و دندان پزشکی کا ملا
 منهدم شده و ۲ نفر در این جر -
 میان بقتل رسیدند .
 * دیروز یک فانتوم مواضع
 عراقیها را در خرمشهر کوبیده

است . عراقیها در خرمشهر مستقر
 شده و استحکامات خود را تقویت
 میکنند . گویا آنها قصد دارند
 تجربه خرمشهر را در آبادان
 تکرار کنند و با عجله وارد شهر
 شوند . آنطور که در افکار
 عمومی شایع است ، آنها برنا -
 مه شان این است که شهر را به
 وسیله خمپاره و بمب بکوبند
 تا پس از آن بتوانند سادتر
 شهر را فتح کنند .

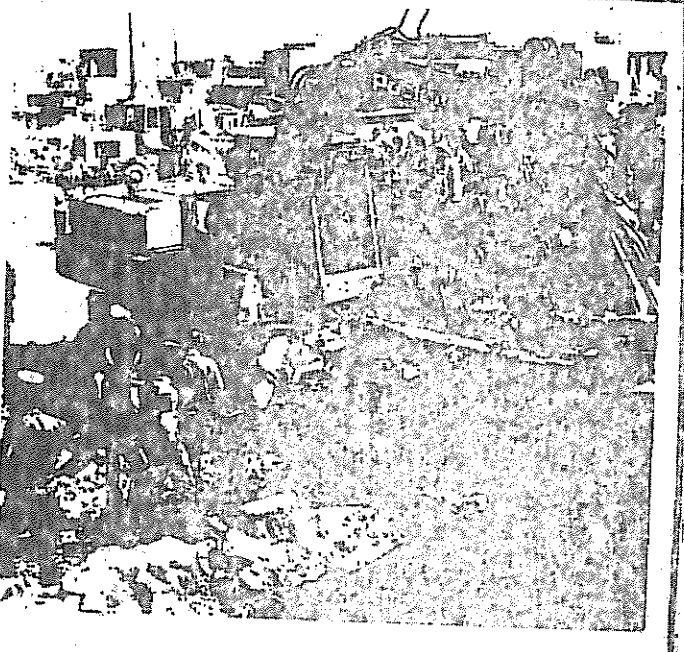
* گوشه ای از رشادتهای قنده انگیران ضد انقلابی حزب جمهوری اسلامی *

در حیوونه جنگ خرمشهر ، هادی غفاری ، یکی از سردستان
 چماق داران رژیم چوری حزب کذابی نیز حضور داشته و با دو قاتل به
 نیروها و افراد دوروبر خود میگفت "خمنه کنید" . چند دقیقه بعد
 مزدوران عراقی با توپ و تانک بمباران را آغاز میکنند . هادی
 غفاری فوراً جا زده و با ترس و لرز میخواهد که فرار کند ، در اینجا
 یکی از هم قماشانش او را به دشنام گرفته ، که فلان فلان شده ، چرا
 روحید افراد را خراب میکنی و خلاصه هادی غفاری را از آنجا بیرون
 میکنند .

* خبری از قهرمانهای طباطبائی *

اوبیا عده ای در حبه خرمشهرها صرف میکرد ، سرنها ریه
 یکی از افراد میگویی "آقا جان ممکن است یک کوکا کولا برای من
 بیاورید" ، آن فرد با تمسخر میگوید "بله ، بله ، جناب طباطبائی
 میگوید" دکتر گفتند برای من میوه ، خام خوب نیست ، یک کمپوت
 هم بیاور" که در این موقع با پر خاش و دشنام بد او میگویند ،
 مرد که فلان فلان شده ، در حبه جنگ چه جای هوس کوکا کولا و کمپوت
 کردن است . حتی سربازی با تفنگ میخواست او را خلاص کند که
 جلوی او را میگیرند .

اهواز :
 ۶ آبان ۵۹ :
 * چند روز پیش با ساری به
 خانه ای چنین پر خاش میکرد
 "مرد که فقط میتواند بیاید چند
 تا عکس با لباس نظامی بگیرد
 و توی تلویزیون نشان بدهند
 که یعنی در حبه هست" سپس
 با ساری چنین ادا مهاد ، "تا
 چند روز پیش که نیروهای عراقی
 جلوی بودند و اینهمه زیاد هم
 نبودند ، هر چه با خانه ای گفتند
 که بگذارید حمله کنیم و ارتش
 عراق را بیرون کنیم ، میگفت
 صبر کنید ، امروز دیگر با اینهمه
 نیروی عراقی و اینهمه جلو
 آمدن با اینها نیروی عظیمی
 و قیمت گزافی آنها را بیرون
 کنیم" .
 * آنقدر دولت خردان در فکر
 تحکیم موقعیت خود بوده و هیچ
 در فکر مقابله با تجار و کاران
 نیستند که گفته میشود ، رئیس
 پاسداران آبادان با یک نفر
 دیگر به تهران به حضور امام
 رفته و قرار بریده است که اوضاع
 خرمشهر که تقریباً در اشغال
 بعضیهاست و نیز آبادان که
 دارم محاصره آن کا ملتر میشود
 گزارش دهند و از امام بخواهند
 که برای نجات این شهرها و
 مقابله با تجار و کاران کساری
 کنند و الا و بقیه پاسداران -
 استعفا خواهند داد .
 * سرباز پرشوری که از دست
 کم کاری و خیانتکاری شران
 ارتش به ستوه آمده بود ، داد و
 هوا میگرد که فرماندهان دریم
 برنا مه معلوم نیست ، چرا به
 بقیه در صفحه ۹۷ .



اصلی استقلال طلبی و دموکراسی در هر کشوری درجه نزدیکی و سرب... سپردگی به امپراطوری مسکو و مشتقا تش میباید شد ، این واقعیت ها هیچ تا شیری در قضا و تنها ایشان ندارد . برای آنها حکومت بعضی

فدائیان

بقیه از صفحه ۹۳

نظرا نشان میدهد . بندهای نوابستگی عراق به امپریالیسم خدعه گروس و همپالگی های آن هیچ تفاوت ماهوی با ریشه های متعددی که عراق را به امپریالیستهای غربی متصل میکنند دارد ، و وجود این بندها خوددلیلی بر وابستگی رژیم بعثت و خیانتهای این رژیم به منافع ملی مردم عراق است . حکومت جنایتکار بعثت ، این مولود کزبانی ارتجاعی ژوشیه ۱۹۶۸ ، در تمامی این دوازده سال ، چه در زمانی که بعنوان صهره ای در دست سوسیال امپریالیسم روس عمل میکرد و چه امروز که برای امپریالیسم آمریکا نوکری میکند ، هیچ کامجدی در راه استقلال عراق بر نداشت و جزیرکوب حتمسوق دموکراتیک خلق ، کشتنار و خشیانه کمونیستهای واقعی ، آزادیخواهان و میلیون عراقی و به خون کشیدن تظاهرات ها و اعتراضات توده های عراقی کاری صورت نداده است . فقط اینکه دولت امپریالیستی روس تا مدت ها - و هنوز هم - مشوق و حامی این استبداد و خشیانه بشنی بوده است ، و همچنین کمونیستهای دروغین عراق یعنی حزب طرفدار شوروی در ایران کشور در بسیاری از این سرب کوبنریها ، کشتارها و بختون کشیدنها بعنوان یک شریک جرم عمل کرده و نقش یک یاسیان بی چیره و مواجب را برای بعضی های آدمکن ایفاء کرده است . البته برای توده های حجول " نظیر رهبران مرتد " فدائیان خلق (اکثریت) " ، که معیار

مروری بر

بقیه از صفحه ۹۱

ما نمی گویند که جلوی بروید ، همش با بدصبر کرد ، هما هنگی نیست ، اطلاعات معلوم نیست چه خبر است ؟ * علیرغم شور و حرارت جوانان انقلابی ، پاسداران و سربازان میا رزمیهن پرست ، بی برنا - مگی ، سهل انگاری " سران " باعث شده که مزدوران بعثتی هر روز به احوال نزدیکتر شوند . دور ز پیش را دیوا اعلام کرد که نظا میان بعثت در ۲۵ کیلومتری اهوازند ، حال آنکه قبلا در ۲۰ کیلومتری بودند . جالب است که درست در همین روز از رادیو از قول چمران اعلام شد که نیرو های عراقی دارند از اطراف اهواز عقب می نشینند و مضمحل میشوند ، این " سران " بحسب مسلح و مستحکم کردن مردن و بیان کردن واقعیات ، همهاش در فکر گروه با زبانی خود و تفرقه افکنی درون جبهه مقاومت علیه تجار و کاران میباشند . * دور ز پیش فواد کزیمی نما - بنده مجلس (عضو حزب جمهوری اسلامی) در اهواز در رادیو سخنرانی میکرد ، او گفت این کمونیستها در مساجد نفوذ کرده اند ، در ستاد و در بسیج هستند ، توی بیبا رستا نها هستند و ... خلاصه با پیدا سلاحها را از دست اینها گرفت و اگر ندادند ، با آنها شلیک کرد ، از بیبا رستان بیرون نشان کرد ! این ها توی بیبا رستان چه میخواهند !! اهواز : * آبان ۵۹ : * دیروز شنیده شد که در دو محصل کوی گلستان (نزدیک دانشگاه) چند خمپاره انداز پیدا کرده اند که سه عراقی هفت ، هشتاد و ایرانی با آنها دستگیر شده اند و نیز گفته میشود که در یک تانکر سابر نیز یک خمپاره انداز جا

ما هیئت حرکت سیاسی آنها را به عنوان حرکت عشی و شنفکران برای مردم ما برملا میکنند . * *